

Revisiting the Qur'anic Principles of Freedom of Expression and Their Application to Modern Media Ethics

Hajar Bakhtari Ebrahim Saracee¹

Abstract

Freedom of expression, as a fundamental human right, is articulated in the Holy Qur'an within a framework of ethical guidelines and social responsibility. This study, employing a descriptive-analytical method and drawing upon Qur'anic verses and authentic narrations, reexamines the Qur'anic foundations of freedom of expression and aligns them with the ethical imperatives of contemporary media. The findings indicate that while the Qur'an acknowledges the right to express opinions, it simultaneously emphasizes ethical constraints (such as avoiding slander, desecration of sacred beliefs, and dissemination of falsehoods) and social responsibilities (including respect for privacy, preservation of human dignity, and the reinforcement of societal cohesion). In its comparative section, the study illustrates how these Qur'anic principles can serve as a theoretical framework for addressing ethical challenges in modern media—such as the spread of fake news, violations of privacy in digital spaces, and inflammatory discourse. By presenting a Qur'an-based model of responsible freedom of expression, the article suggests that contemporary media systems can achieve a sustainable balance between freedom of expression and public ethics through the integration of these religious principles with modern professional standards.

Keywords: Freedom of expression, media ethics, Holy Qur'an, social responsibility, cyberspace, Qur'anic principles.

1- Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Welfare, Tehran, Iran
bakhtari@refah.ac.ir

بازخوانی اصول قرآنی آزادی بیان و تطبیق آن با اخلاق رسانه‌های نوین

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۳/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۱

هاجر باختری ابراهیم سرایی^۱

چکیده

آزادی بیان به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر، در قرآن کریم با چهارچوب‌های اخلاقی و مسئولیت‌آفرین تبیین شده است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به آیات قرآن و روایات معتبر، به بازخوانی مبانی قرآنی آزادی بیان و تطبیق آن با الزامات اخلاق رسانه‌های در عصر حاضر می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که قرآن کریم ضمن به‌رسمیت شناختن حق ابراز نظر، بر محدودیت‌های اخلاقی (مانند پرهیز از افتراء، توهین به مقدسات و اشاعه اکاذیب) و مسئولیت‌های اجتماعی (از جمله رعایت حریم خصوصی، حفظ کرامت انسانی و تقویت همبستگی جامعه) تأکید دارد. در بخش تطبیقی پژوهش، نشان داده می‌شود که چگونه این اصول قرآنی می‌تواند به‌عنوان چهارچوبی نظری برای مواجهه با چالش‌های اخلاقی رسانه‌های نوین (مانند انتشار اخبار جعلی، نقض حریم خصوصی در فضای مجازی و گفتارهای تنش‌زا) عمل کند. این مقاله با ارائه الگویی قرآن‌محور از آزادی بیان مسئولانه، پیشنهاد می‌کند که نظام‌های رسانه‌های معاصر می‌توانند با تلفیق این اصول دینی و استانداردهای حرفه‌ای روز، به تعادلی پایدار بین آزادی بیان و اخلاق عمومی دست یابند.

واژگان کلیدی

آزادی بیان، اخلاق رسانه‌ای، قرآن کریم، مسئولیت اجتماعی، فضای مجازی، اصول قرآنی.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده غیرانتفاعی رفاه، تهران، ایران

مقدمه

آزادی بیان در منظومه فکری اسلام، به‌عنوان یک حق اساسی برای افراد شناخته می‌شود و اجازه می‌دهد افراد نظرها، افکار و احساسات خود را بدون ترس از سرکوب یا مجازات بیان کنند. آزادی بیان نه تنها به‌عنوان یک حق فردی بلکه به‌عنوان عنصری کلیدی در ترویج مردم‌سالاری و مشارکت اجتماعی است. اسلام آزادی بیان را تشویق می‌کند، به شرطی که این آزادی، به حقوق دیگران آسیب نرساند و منجر به فساد، تفرقه‌افکنی، یا توهین به مقدسات و ارزش‌های دینی نشود. قرآن کریم به‌عنوان سند الهی مسلمانان، هم بر حق آزادی بیان تأکید دارد و هم حدود و ثغور آن را مشخص نموده است.

آزادی بیان با مسئولیت و احترام به حقوق دیگران همراه است. آزادی بیان نه تنها به حق ابراز نظر اشاره دارد بلکه نیازمند تعادل میان حقوق فردی و حفظ نظم عمومی است. همچنین، فرهنگ و جامعه نیز نقش مهمی در شکل‌دهی به نحوه بیان نظرات ایفا می‌کند. به همین دلیل، درک و احترام به چهارچوب‌های اخلاقی و قانونی در بیان عقاید ضروری است تا فضایی سالم و سازنده برای گفتگو و تبادل نظر فراهم شود. با این حال، این حق با چالش‌ها و محدودیت‌هایی مواجه است که می‌تواند تأثیرات منفی بر جامعه و روابط انسانی بگذارد. در بسیاری از کشورها، آزادی بیان تحت تأثیر قوانین و مقرراتی قرار دارد که به دلایل امنیت عمومی، حفظ نظم اجتماعی و احترام به حقوق دیگران وضع شده‌اند. باید در نظر داشت، آزادی بیان به معنای بیان هرگونه نظری نیست.

در عصر حاضر، رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی به مهم‌ترین بسترهای اعمال آزادی بیان تبدیل شده‌اند. گسترش فزاینده این رسانه‌ها از یک سو فرصت‌های بی‌سابقه‌ای برای تبادل افکار ایجاد کرده و از سوی دیگر چالش‌های اخلاقی جدیدی پدید آورده است. انتشار اخبار نادرست، نقض حریم خصوصی افراد و گفتارهای تفرقه‌انگیز از جمله این چالش‌ها محسوب می‌شوند؛ بنابراین، مسئله اصلی این است که چگونه می‌توان از آزادی بیان به‌طور مؤثر و مسئولانه استفاده کرد، به‌طوری‌که حقوق دیگران نقض نشود و جامعه به سمت گفت‌وگو و تفاهم پیش برود.

بیان، پل ارتباطی بین انسان‌هاست. از طریق بیان، افکار، احساسات، نیازها و خواسته‌ها با دیگران به اشتراک گذاشته می‌شود و درک متقابل ایجاد می‌گردد. اهمیت بیان در زندگی فردی و اجتماعی بسیار زیاد است و بر جنبه‌های مختلف زندگی تأثیر می‌گذارد. قرآن کریم با آیاتی همچون «وَلَا تَبْخُسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» (سوره اعراف: آیه ۱۵) و «وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (سوره نحل: آیه ۱۲۵)، اصول حاکم بر آزادی بیان مسئولانه را ترسیم نموده است. از منظر قرآن، آزادی بیان مطلق نیست و باید در چهارچوب ارزش‌های اخلاقی و با رعایت حقوق دیگران اعمال شود. این نگاه متوازن می‌تواند پاسخگوی بسیاری از چالش‌های اخلاقی رسانه‌های امروز باشد.

روایات معصومین (ع) نیز بر اهمیت مسئولیت‌پذیری در بیان تأکید دارند؛ به‌عنوان نمونه، حدیث گرانقدر امام جواد (ع) که می‌فرمایند: «مَنْ أَصْغَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنِ اللَّهِ، فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ وَ إِنْ كَانَ النَّاطِقُ يُنْطِقُ عَنْ لِسَانِ إِبْلِيسَ فَقَدْ عَبَدَ إِبْلِيسَ»؛ کسی که به گوینده‌ای گوش فرامی‌دهد، او را پرستش کرده است؛ بنابراین اگر او از خدا سخن می‌گوید، درواقع خدا را پرستش کرده است و اگر از زبان ابلیس، سخن می‌گوید، ابلیس را مورد ستایش قرار داده است (ابن شعبه حرّانی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص. ۲۳۲). سخن هر فرد، صرف‌نظر از ماهیت آن، تأثیر خاص خود را بر جای می‌گذارد و گوش سپردن به اظهارات دیگران غالباً با تأثیرگذاری آن بر درک و احساسات افراد همراه است و از آنجاکه اهداف سخنگویان مختلف است، جمعی سخنگوی حَقّند و جمعی دیگر، سخنگوی باطل و ناروا؛ خضوع در برابر هر کدام از این دو گروه، یک نوع کرنش و پرستش است، چون روح پرستش چیزی جز تسلیم نیست؛ بنابراین آنان که به سخنان حق گوش می‌دهند، پرستندگان حَقّند و آنان که به سخن گویان ناحق و باطل گوش فرامی‌دهند، پرستندگان باطلند. پس لازم است از رونق دادن محفل سخنگویان باطل پرهیز نمود و اجازه نداد که سخنان واهی آنان از مجرای گوش به اعماق دل و جان انسان برسد (قاسمی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص. ۱۵۱۳). این روایت نشان‌دهنده تأثیر عمیق سخن و مسئولیت سنگین گوینده و شنونده است و بیان می‌کند که چگونه بیان و شنیدن سخن می‌تواند جنبه تقدس یابد.

گوش، یکی از راه‌های ورودی ذهن و دل است. اگر به روی سخنان حکیمانه و حرف‌های

حق گشوده شود، در دل و ذهن انسان اثر مثبت و آموزشی و تربیتی دارد؛ اما اگر به روی حرف‌های باطل و زشت و انحرافی باز شود، انسان را به بیراهه و انحراف می‌کشاند. تأثیر سخن‌گوینده تا حدی است که امام جوادی(ع) از آن به «پرستیدن» یاد کرده است. حضرت علی (ع) نیز فرموده است: «السامعُ شریکُ القائل»؛ شنونده، شریک گوینده است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، حدیث ۵۱۸) که بیانگر مسئولیت مشترک گوینده و شنونده در قبال محتوای بیان شده است. این آموزه‌ها برای عصر حاضر که رسانه‌ها نقش محوری در انتقال پیام دارند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای منابع دینی و رسانه‌ای، در پی پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان اصول قرآنی آزادی بیان را در عرصه رسانه‌های نوین به کار بست؟ فرضیه پژوهش بر این است که تلفیق اصول قرآنی با استانداردهای حرفه‌ای رسانه‌ها می‌تواند الگویی متعادل برای آزادی بیان مسئولانه ارائه دهد. نوآوری این پژوهش در ارائه مدلی کاربردی شامل: ۱) اصول قرآنی حاکم بر آزادی بیان؛ ۲) چالش‌های اخلاقی رسانه‌های نوین و ۳) راهکارهای عملی برای تطبیق این دو حوزه است.

مفهوم‌شناسی بیان

واژه «بیان» به‌عنوان مفهومی محوری در گفتمان قرآنی، از دیرباز مورد توجه علمای لغت و مفسران قرآن بوده است. واژه «بیان» در زبان عربی از ریشه «ب ی ن» مشتق شده که دو مفهوم محوری را در خود جای داده است: ۱. مفهوم مکانی-فضایی: دلالت بر جدایی، فاصله و عمق دارد و ۲. مفهوم معرفتی: اشاره به وضوح، آشکاری و روشنگری می‌کند. این دووجهی بودن در کاربردهای مختلف واژه کاملاً مشهود است: در بعد مکانی: «بین» به معنای جدایی و «بینونَه» به حالت مفارقت اشاره دارد. در بعد معرفتی: «أبان» و «استبان» بر فرایند کشف و ادراک حقیقت دلالت می‌کنند (جر، ۱۳۹۱، ص ۲۹۹).

لغت‌شناسان برجسته اسلامی هر یک از زاویه‌ای خاص به تبیین این مفهوم پرداخته‌اند. راغب اصفهانی در مفردات خود، بیان را فرایندی فراتر از سخن گفتن معمولی می‌داند که خاص انسان

است و شامل هرگونه آشکارسازی می‌شود. از دیدگاه وی، بیان صرفاً محدود به گفتار نیست بلکه هرگونه کاشفیت از حقایق را دربرمی‌گیرد (راغب اصفهانی، ۱۶: ۴۱۶ق، صص. ۶۸-۶۹).

زمخشری در اساس البلاغه، این مفهوم را از منظر دیگری بررسی کرده و بر جنبه‌های مختلف آن تأکید می‌ورزد. از نگاه او، ریشه «بان» هم به معنای جدایی و فاصله (مانند بئر بیون به معنای چاه بسیار عمیق) و هم به معنای وضوح و روشنی (مانند آبان و استبان) به کار رفته است. در حوزه مکان‌نگاری: «بئر بیون»: چاه بسیار عمیق که نشان‌دهنده بعد عمودی فاصله است؛ «بین» (به فتح باء): مساحت گسترده زمین به اندازه میدان دید انسان؛ و در شعر قدیم: «ذلک البینا» به فاصله‌ای دور و صعب‌العبور اشاره دارد.

در حوزه کیفیات: «طول بائن» و «نخلة بائنة»: بیانگر امتداد و بلندی در بعد افقی؛ «قوس بائن»: کمائی که زه آن از کمان جدا شده، نشان‌دهنده جدایی کامل.

در حوزه انسانی: «رجل أبین المرفق»: توصیف فردی با استخوان‌بندی برجسته؛ «رجال بین المرافق»: جمعی با ویژگی‌های جسمانی ممتاز (زمخشری، ۱۹: ۴۱۹ق، ج ۱، ص. ۸۸). این دوگانگی معنایی نشان‌دهنده عمق این مفهوم در زبان عربی است.

ابن فارس نیز در مقایسه اللغة با نگاهی نظام‌مند، دو محور اصلی برای این واژه قائل شده است: بعد مکانی (به معنای دوری و جدایی) و بعد معرفتی (به معنای کشف و آشکارسازی) (ابن فارس، بی‌تا، ج ۱، ص. ۳۲۷-۳۲۸). این نگاه جامع، زمینه‌ساز درک عمیق‌تر از کاربردهای قرآنی این مفهوم شده است.

مشتقات این واژه در قرآن کریم نشان‌دهنده اهمیت بنیادین آن در گفتمان قرآنی است (قرشی، ۱۳۵۲، ج ۱-۲، ص. ۲۵۷).

کاربردهای این مفهوم در قرآن را می‌توان در سه حوزه اصلی دسته‌بندی کرد: نخست، حوزه وحیانی که در آن بیان به عنوان ابزار تبیین آیات الهی مطرح شده است. آیاتی مانند «هذا بیان للناس و هدی» (سوره آل عمران: آیه ۱۳۸) «انظر کیف تبین لهم الايات» (سوره مائده: آیه ۷۵)، «خلق الانسان علمه البیان» (سوره الرحمن: آیه ۴)، «ثم انّ علینا بیان» (سوره قیامه: آیه ۱۹)، به وضوح این نقش را نشان می‌دهند.

دوم، حوزه تکوینی که در آن نظام نشانه‌های طبیعی به عنوان بیانات الهی در نظر گرفته

می‌شوند. این نگاه، جهان هستی را به مثابه کتابی از آیات الهی تفسیر می‌کند. «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»؛ بی‌تردید در آفرینش آسمان‌ها و زمین و رفت و آمد شب و روز و کشتی‌هایی که در دریاها [با جابجا کردن مسافر و کالا] به سود مردم روانند و بارانی که خدا از آسمان نازل کرده و به وسیله آن زمین را پس از مردگی‌اش زنده ساخته و در آن از هر نوع جنبنده‌ای پراکنده کرده و گرداندن بادهای ابر مسخر میان آسمان و زمین، نشانه‌هایی است [از توحید، ربوبیت و قدرت خدا] برای گروهی که می‌اندیشند (سوره بقره: آیه ۱۶۴).

سوم، حوزه اجتماعی که در آن بیان به‌عنوان مسئولیتی اخلاقی در قبال جامعه مطرح شده است. در این حوزه، بیان نه‌تنها یک حق بلکه تکلیفی است که باید با مسئولیت‌پذیری همراه باشد. آیه‌ای که در آن واژه «بیان» به‌طور مستقیم و آشکار به‌عنوان مسئولیت اخلاقی (به‌ویژه مسئولیت تبیین حقیقت و عدم کتمان آن) مطرح می‌شود، آیه ۱۸۷ سوره آل عمران است: «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبُئْسَ مَا يَشْتَرُونَ»؛ و (به یاد آر) زمانی را که خدا از کسانی که به آنها کتاب (تورات و انجیل) داده شده بود، پیمان گرفت که آن را (احکام و حقایق آن را) برای مردم آشکار سازید (لَتُبَيِّنُنَّهُ) و کتمان نکنید (وَلَا تَكْتُمُونَهُ)؛ ولی آنها آن را پشت سر انداختند و به بهای اندکی فروختند. چه بد چیزی می‌خریدند! (سوره آل عمران: آیه ۱۸۷).

در این آیه، خداوند از اهل کتاب (یهود و نصاری) پیمان می‌گیرد که حقایق و احکام کتاب آسمانی خود را به مردم «تبیین» (آشکار و روشن) کنند و آن را کتمان نکنند. این «تبیین» و «عدم کتمان» یک مسئولیت اخلاقی و دینی بسیار مهم است. این آیه به‌وضوح بیان می‌کند که کسانی که علم و دانش الهی (کتاب) به آنها داده شده است، وظیفه اخلاقی دارند که این علم را به روشنی برای مردم بیان کنند و از پنهان کردن آن پرهیز نمایند. این مسئولیت شامل تبیین احکام، بشارت‌های مربوط به پیامبران بعدی، و هر حقیقتی است که در کتاب‌های الهی آمده است. عمل نکردن به این مسئولیت (کتمان حقیقت) به‌شدت مورد مذمت

قرار گرفته است.

در این راستا می‌توان دلالت‌های مهمی برای عصر حاضر و به‌ویژه حوزه رسانه از این بحث لغت‌شناسی استخراج کرد. نخستین و مهم‌ترین دلالت، مسئولیت ذاتی هرگونه آشکارسازی است. از منظر قرآنی، بیان صرفاً انتقال اطلاعات نیست بلکه همراه با مسئولیت در قبال محتوا و اثرهای اجتماعی آن است.

دومین دلالت، التزام به صداقت و پرهیز از ابهام‌سازی است. همان‌گونه که واژه بیان در لغت به‌وضوح و روشنی دلالت دارد، در حوزه رسانه نیز باید بر صراحت و شفافیت تأکید شود.

سومین دلالت، تناسب پیام با مخاطب است. همان‌گونه که بیان در لغت خاص انسان دانسته شده، در حوزه رسانه نیز باید به ویژگی‌های مخاطبان و زمینه اجتماعی توجه ویژه داشت.

از بررسی آیات فوق می‌توان دریافت، قرآن کریم با دو رویکرد مکمل به مسئله بیان توجه کرده است: الف) رویکرد اثباتی: تأکید بر حق بیان و اظهارنظر در آیاتی مانند «وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ» (سوره لقمان: آیه ۱۷)؛ ب) رویکرد تحدیدی: تعیین حدود اخلاقی در آیاتی مانند «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (سوره اسراء: آیه ۵۳).

این دوگانگی ظاهری در واقع نشان‌دهنده نگاه متعادل اسلامی به آزادی بیان است که هم از حق ابراز نظر دفاع می‌کند و هم مسئولیت‌های اجتماعی آن را یادآور می‌شود.

بررسی تاریخی مواجهه ائمه (ع) با مسئله آزادی بیان نشان‌دهنده الگویی متکامل است؛ به‌طورمثال حضرت امیرالمؤمنین (ع)، در دوره حکومت خود نه‌تنها آزادی بیان را محدود نکرد بلکه با صراحت بر گسترش این آزادی تأکید ورزید و فرمود:

«... لا تكلموني بما تكلم به الجبارة و لا تتحفظوا مني بما يتحفظ به عند اهل البادية و

لا تخالطوني بالمصانعة و لا تظنوا بي استتقلا في حق قيل لي...؛ آن‌سان که با جباران سخن

می‌گویند با من سخن مگویید و از من پنهان مدارید آن چه را از مردم خشمگین به هنگام

خشمشان پنهان می‌دارند. همچنین به چاپلوسی و تملق با من رفتار نکنید و مپندارید که

گفتن حق بر من گران می‌آید» (نهج‌البلاغه: خطبه ۲۱۶). حضرت در فراز دیگری از همین خطبه

می‌فرماید: «... فلا تكفوا عن مقالة بحق او مشورة بعدل (نهج‌البلاغه: خطبه ۲۱۶)؛ بنابراین، از گفتن

سخن حق و یا مشورت عدالت‌آمیز خودداری مکنید. امام علی (ع)، در مدت حکومت خویش

در برخورد با خوارج تاجایی که تنها اظهارنظر بود و بس، آنان را آزاد گذاشت. با اینکه برخورد آن‌ها بسیار سخیف و به دور از ادب بود، ولی موضع امیرالمؤمنین در نهایت سعه صدر و خویشن‌داری بود.

در نبود آزادی بیان، امکان شناسایی و اصلاح مشکلات و نارسایی‌ها وجود ندارد و جامعه در یک حالت سکون باقی می‌ماند. امام صادق(ع) فضای آزاد گفتگو را شرط حیات اجتماعی دانسته‌اند.

اسماعیل بصیر می‌گوید: امام صادق(ع) فرمود: تَقْعُدُونَ فِي الْمَكَانِ فَتُحَدِّثُونَ وَ تَقُولُونَ مَا شِئْتُمْ وَ تَتَبَرَّءُونَ مِمَّنْ شِئْتُمْ وَ تَوْلُونَ مَنْ شِئْتُمْ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ وَ هَلِ الْعَيْشُ إِلَّا هَكَذَا؛ آیا شما می‌توانید در مکانی گرد آیید و با یکدیگر به گفتگو بپردازید و آنچه را که می‌خواهید اظهار دارید و از هر کس انتقاد کنید (بیزاری جوید) و به هر کس می‌خواهید ابراز دوستی و محبت کنید؟ گفتم: آری. فرمود: آیا زندگی و لذت مفهومی جز این دارد؟ (کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۲۲۹).

این مواجهه عملی نشان می‌دهد که آزادی بیان در سیره معصومین(ع) نه یک امتیاز حکومتی، بلکه حقی الهی و ضامن سلامت جامعه است.

با گسترش رسانه‌های جدید، چالش‌های متعددی در زمینه آزادی بیان پدید آمده است: ۱. چالش معرفتی: تعارض میان سرعت انتشار اطلاعات در رسانه‌ها و ضرورت «تَبَيَّن» در آیات قرآنی؛ ۲. چالش اخلاقی: تنش میان آزادی بیان و حفظ حریم خصوصی که در قرآن با عبارت «وَلَا تَجَسَّسُوا» (سوره حجرات: ۱۲) به آن اشاره شده است؛ و ۳. چالش اجتماعی: تعادل میان آزادی بیان و وحدت اجتماعی که در سیره معصومین(ع) به آن توجه شده است.

آزادی بیان در قرآن

آزادی بیان، به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین حقوق بشری و از ارکان پویایی هر جامعه، همواره مورد توجه اندیشمندان و نظام‌های حقوقی بوده است. در آموزه‌های متعالی قرآن کریم نیز، با وجود عدم تصریح واژه به واژه «آزادی بیان» به شکل امروزی، می‌توان مبانی و اصولی را یافت که نه تنها بر اهمیت این مفهوم صحه می‌گذارند بلکه چارچوب‌هایی برای کارکرد اجتماعی آن ارائه می‌دهند. قرآن، با تأکید بر تفکر، تعقل، تدبر و دعوت به گفت‌وگو

و استدلال، فضایی را برای ابراز اندیشه و تبادل آرا فراهم می‌آورد که در نهایت به رشد فکری، بصیرت‌افزایی و اصلاح امور اجتماعی منجر می‌شود.

آزادی بیان از منظر قرآن، صرفاً به معنای رها کردن زبان در هر آنچه که بر ذهن می‌گذرد نیست بلکه با مفاهیمی چون مسئولیت‌پذیری، رعایت اخلاق، دوری از تهمت و افترا، و پرهیز از ترویج فساد و انحراف گره خورده است. در واقع، آزادی بیانی که قرآن از آن حمایت می‌کند، آزادی‌ای هدفمند است که در جهت رشد فردی و جمعی، عدالت‌خواهی، امر به معروف و نهی از منکر به کار گرفته می‌شود. بررسی دقیق این اصول و تطبیق آن‌ها با نیازهای جامعه نوین، می‌تواند راهگشای حل بسیاری از چالش‌ها در حوزه آزادی بیان باشد و نشان دهد که چگونه آموزه‌های قرآنی می‌توانند بستری محکم برای یک جامعه‌ای با نشاط و پویا، و البته مسئولیت‌پذیر فراهم آورند.

مبانی قرآنی آزادی بیان

الف) اصل دعوت حکیمانه: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»؛ دعوت به راه پروردگارت به حکمت و اندرز نیکو کن (سوره نحل: آیه ۱۲۵). این آیه نشان‌دهنده اهمیت گفتگو و تبادل نظر در فضایی محترمانه و تأکید بر روش‌های مناسب در بیان عقاید و ضرورت روش‌های حکیمانه و دلنشین در دعوت به حق اشاره دارد. گفتگوهای سازنده و مشفقانه می‌توانند به بهبود روابط اجتماعی و فرهنگی کمک کنند. آیه کریمه سه رکن اساسی را ترسیم می‌نماید: ۱. دعوت بر پایه برهان و استدلال (حکمت)؛ ۲. ارشاد مبتنی بر اخلاق حسنه (موعظه حسنه)؛ و ۳. مناظره با بهترین شیوه (جدال احسن). این سه‌گانه نشان‌دهنده تأکید قرآن بر آزادی بیان مسئولانه است.

ب) ادب در گفتار: آیه ۸۳ سوره بقره «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا»، بر ضرورت رعایت اخلاق در تمامی مراودات کلامی تأکید دارد. این آیه در سیاق آیات مربوط به حقوق بنی‌اسرائیل قرار گرفته که نشان‌دهنده جهان‌شمولی این اصل است. بیان مؤدبانه نه تنها به حفظ روابط اجتماعی کمک می‌کند بلکه موجب تأثیر مثبت بر مخاطب نیز می‌شود آزادی بیان باید همراه با احترام به حقوق و احساسات دیگران باشد.

ج) اصل دعوت به خیر و نیکی: قرآن به مسلمانان دستور می‌دهد که به دعوت به خیر و نیکی بپردازند. در سوره آل عمران (آیه ۱۰۴) آمده است: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ و باید از میان شما، گروهی، [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند، و آنان همان رستگارانند. روایتی از پیامبر(ص): «مَنْ دَعَا إِلَى هُدًى كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أُجُورٍ مَنْ تَبِعَهُ لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْئًا وَمَنْ دَعَا إِلَى ضَلَالَةٍ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْإِثْمِ مِثْلُ آثَامِ مَنْ تَبِعَهُ لَا يَنْقُصُ مِنْ آثَامِهِمْ شَيْئًا»؛ هر کسی، به هدایتی راهنمایی کند، پاداشی را که برای پیروان هدایت وجود دارد، برای او نیز خواهد بود؛ بی‌آنکه از پاداش پیروان کاسته شود، و هرکس به گمراهی‌ای راهنمایی کند گناهی که برای پیروان آن وجود دارد، برای او نیز خواهد بود؛ بی‌آنکه از گناه آنها کاسته شود (شهادت ثانی، ۱۳۰۱ق، ص. ۱۰۲) نیز به اهمیت دعوت به خیر و نیکی و پاداش آن اشاره نموده و مؤید این دیدگاه است که آزادی بیان در اسلام غایبند و مسئولیت‌آفرین است. بنیان‌های قرآنی آیه ۱۰۴ سوره آل عمران با تأکید بر تشکیل «امت دعوتگر»، نظامی سه‌سطحی را ترسیم می‌نماید: ۱. سطح ایجابی: «یدعون إلى الخیر»؛ ۲. سطح امری: «یأمرون بالمعروف»؛ و ۳. سطح نهی: «ینهون عن المنکر».

این ساختار نشان‌دهنده نگاه جامع قرآن به مسئله آزادی بیان است که همزمان هم جنبه‌های اثباتی و هم سلبی را پوشش می‌دهد. در تحلیل روایی، حدیث نبوی مورد استناد شهید ثانی (۱۳۰۱ق، ص. ۱۰۲) که به «پاداش هدایتگری» اشاره دارد.

د) حفظ حرمت: قرآن به حفظ حرمت و آبروی دیگران تأکید می‌کند. در آیه ۱۲ سوره حجرات آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ»؛ ای اهل ایمان! از بسیاری از گمان‌ها [در حق مردم] بپرهیزید؛ زیرا برخی از گمان‌ها گناه است، این آیه به پرهیز از گمان‌های بد و قضاوت‌های نادرست اشاره دارد و نشان می‌دهد که باید به حرمت دیگران احترام گذاشت. آیه ۱۲ سوره حجرات با عبارت «اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ» سه اصل بنیادین را تبیین می‌نماید:

۱. اصل پرهیز از گمان‌های نادرست؛ ۲. اصل مسئولیت اخلاقی در قضاوت؛ و ۳. اصل لزوم حفظ آبروی دیگران.

این آیه در سیاق آیات مربوط به آداب اجتماعی قرار گرفته که نشان‌دهنده اهمیت نظام‌مند قرآن به مسئله حرمت‌نگهداری است.

ساحت‌های حرمت در منابع اسلامی

الف) حرمت عمومی: بیان نظرها باید با احترام به حقوق دیگران همراه باشد. در حدیثی زیبا از امام جعفر صادق (ع) می‌خوانیم: «الْمُؤْمِنُ حَرَامٌ كُلُّهُ: عَرَضُهُ وَ مَالُهُ وَ دَمُهُ»؛ مؤمن سراسر وجودش حرمت است: حرمت آبرو، حرمت مال و حرمت خون و جان او (نوری، ۴۰۸، ج ۹، ص. ۲۳۹). این حدیث به حرمت جان، مال و آبروی مسلمانان اشاره دارد و تأکید می‌کند که این امر به‌ویژه در زمان نقد و بررسی نظرهای دیگران اهمیت دارد. روایت امام صادق (ع) سه ساحت را مشخص می‌کند: ۱. حرمت عرض (آبرو)؛ ۲. حرمت مال؛ و ۳. حرمت جان.

ب) حرمت ویژه: حفظ حرمت نه تنها به صورت عمومی بلکه به طور خصوصی نیز در قرآن مورد توجه قرار گرفته آنجا که مخاطب قراردادن پیامبر (ص)، و سخن گفتن با او، منوط به حفظ ادب دانسته شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ» (سوره حجرات: آیه ۲)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدای خود را از صدای پیامبر بلندتر نکنید و همچنان که با یکدیگر بلند سخن می‌گویید با او به آواز بلند سخن مگویید...». همچنین در همین سوره حجرات عامل حفظ و رعایت ادب نسبت به ساحت رسول اکرم (ص) را رعایت تقوی دانسته و در آیه بعد نیز کسانی که این حرمت را رعایت نمی‌کنند، بی‌خرد نامیده‌اند. «إِنَّ الَّذِينَ يَغْضُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ» (سوره حجرات: آیه ۳)؛ آنها که صدای خود را نزد رسول خدا کوتاه می‌کنند همان کسانی هستند که خداوند دل‌هایشان را برای تقوا خالص نموده...». «إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» (سوره حجرات: آیه ۴)؛ آنهایی که از آن سوی حجره‌ها ندایت می‌دهند بیشتر بی‌خردانند. قرآن کریم ضمن تأکید بر ارزش آزادی اندیشه و بیان، برای آن حدود و قیودی نیز قائل شده است. یکی از مهم‌ترین این قیود، حفظ حرمت مؤمنان و

پرهیز از اتهام‌زنی و افتراست. در آیات مختلفی از قرآن، چنین رفتاری نه‌تنها مورد نکوهش قرار گرفته بلکه با مجازات‌های دنیوی و اخروی نیز همراه شده است. در سوره نساء، یکی از دلایل مذمت بنی‌اسرائیل، نسبت دادن تهمتی بزرگ به حضرت مریم (س) بیان شده است: «وَبِكْفَرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا» (سوره نساء: آیه ۱۵۶). در این آیه، بهتان‌زدن نه صرفاً یک خطای اخلاقی بلکه نشانه‌ای از کفر و انکار حقیقت تلقی شده است. از این منظر، نسبت دادن اتهام بی‌پایه به انسان‌های مؤمن، در تضاد آشکار با اصول توحیدی و اخلاقی قرآن قرار دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص. ۴۶۹). افزون‌براین، در سوره نور، مجازات صریحی برای کسانی که به زنان پاکدامن تهمت می‌زنند بدون اینکه چهار شاهد ارائه دهند، تعیین شده است: «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا...» (سوره نور: آیه ۴). این حکم نه‌تنها اهمیت حفظ آبرو و حیثیت اجتماعی افراد را برجسته می‌سازد بلکه نشان می‌دهد که بیان اتهامات بی‌اساس، حتی اگر در قالب اظهارنظر مطرح شود، از نظر قرآن قابل قبول نیست و تبعات سنگینی دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص. ۳۹۶). حادثه «افک» که در سوره نور به تفصیل به آن پرداخته شده، نمونه‌ای تاریخی از واکنش قرآن به تهمت‌پراکنی علیه شخصیت‌های برجسته جامعه اسلامی است. در این ماجرا، گروهی با طرح اتهامی ناروا، زمینه‌ساز ایجاد فتنه در جامعه شدند. قرآن با لحنی تند این رفتار را محکوم کرده و می‌فرماید: «إِذْ تَلَقَوْهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسِبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ» (سوره نور: آیه ۱۵). در این آیه، گناه اتهام‌زنی بدون علم، بزرگ‌تر از آن چیزی معرفی می‌شود که در نگاه مردم عادی ممکن است ساده پنداشته شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ذیل واژه «بهت»). مسئله افک بر: ۱. لزوم علم در بیان؛ ۲. مسئولیت اخلاقی گوینده؛ و ۳. پیامدهای اجتماعی گفتار تأکید دارد. درنهایت، قرآن کریم مجازات اخروی چنین رفتاری را نیز بیان می‌کند: «إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (سوره نور: آیه ۲۳). این آیه نشان می‌دهد که تعدی به آبرو و حیثیت افراد، به‌ویژه مؤمنان بی‌خبر از فحشا، نه‌تنها آثار اجتماعی مخرب دارد بلکه موجب دوری از رحمت الهی در دنیا و آخرت نیز می‌گردد (مطهری، ۱۳۸۲، ص. ۲۳۵). مجازات تهمت در آیه ۴ سوره نور با تعیین حد ۸۰ ضربه برای قذف، نشان‌دهنده: ۱.

حساسیت قرآن به آبروی افراد؛ ۲. ضمانت اجرایی برای حفظ حرمت؛ و ۳. بازدارندگی از افترا است.

ه) نقد سازنده: قرآن به نقد سازنده و بیان نظرها به‌طور منطقی و مستدل تأکید دارد. در آیه ۱۲۵ سوره نحل به اهمیت استفاده از حکمت و موعظه‌های نیکو در بیان نظرها و نقدها اشاره دارد. امیرالمؤمنین (ع) در رابطه با نقد خطاب به کمیل می‌فرماید: «يَا كُمَيْلُ الْمُؤْمِنُ مِرْأَةٌ الْمُؤْمِنِ لِأَنَّهُ يَتَأَمَّلُهُ فَيَسُدُّ فَاقَّتَهُ وَيُجَمِّلُ حَالَتَهُ» (ابن شعبه حرّانی، ۱۳۷۷، ص. ۱۷۳). امام علی (ع): ای کمیل! مؤمن آینه مؤمن است، او را با دقت می‌نگرد تا نیازش را برطرف سازد و حالش را بهبود بخشد. این حدیث به اهمیت نصیحت و نقد سازنده در دین اشاره دارد. روایت امام علی (ع) با تشبیه مؤمن به آینه مؤمن دیگر، ویژگی‌های نقد مطلوب را بیان می‌کند:

۱. انعکاس واقع‌بینانه (مرآة): ۲. هدفمندی (سدّ فاقته): و ۳. اصلاح‌گری (إجمال حالته).

این روایت در واقع تفسیر عملی آیه ۱۲۵ سوره نحل محسوب می‌شود. نقد باید به‌گونه‌ای باشد که به بهبود و رشد فرد یا جامعه کمک کند و نه به تخریب و تضعیف. گاهی اوقات برخی اظهارنظرهای غیرعالمانه سبب تضعیف و سست کردن بنیان‌های فکری و اعتقادی می‌گردد خصوصاً زمانی که این اظهارنظرها در حوزه دین باشد. اظهارنظر غیرعالمانه در دین به معنای بیان دیدگاه‌ها و نظرهایی در مورد مسائل دینی است که بر پایه دانش و شناخت کافی و دقیق از دین صورت نگرفته باشد. این نوع اظهارنظر می‌تواند به دلایل مختلفی از جمله عدم مطالعه کافی، تفسیر شخصی و نادرست از متون دینی، تأثیرپذیری از باورهای غلط و شایعات، و یا عدم آگاهی از اصول و مبانی دین صورت گیرد. اظهارنظرهای غیرعالمانه می‌تواند باعث ایجاد اختلاف و تفرقه در بین افراد و گروه‌های مختلف شده و حتی گاهی اوقات، منجر به توهین نسبت به مقدسات دینی و باعث رنجش و ناراحتی مؤمنان شود. همچنین خرافات و باورهای غلط را ترویج کرده و باعث گمراهی افراد می‌شود، و در نهایت جایگاه دین را در جامعه تضعیف کرده و باعث شود که مردم به دین و ارزش‌های آن بی‌اعتماد شوند. در همین راستا در قرآن کریم می‌بینیم: «و لا تقولوا لما تصف السنتکم الذّٰب هذا حلل و هذا حرام لتفتروا علی الله الذّٰب ان الذّٰب یفترون علی الله الذّٰب لا یفلحون» (سوره نحل: آیه ۱۱۶): به خاطر دروغی که زبان‌های شما توصیف می‌کند

نگوئید این حلال است و آن حرام، تا بر خدا افترا ببندید، کسانی که به خدا دروغ می‌بندند رستگار نخواهند شد.

با تحلیل آیات و روایات می‌توان این اصول را برای رسانه‌ها استخراج کرد: ۱. اصل تحقیق پیش از انتشار (سوره نور: آیه ۱۵)؛ ۲. اصل پرهیز از افترا (سوره نور: آیه ۴)؛ ۳. اصل رعایت حریم خصوصی (سوره حجرات: آیه ۱۲)؛ ۴. اصل مسئولیت اجتماعی (سوره نور: آیه ۲۳).
 (و) اصل مسئولیت‌پذیری: آیه ۱۸ سوره ق (مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ*) به صراحت بر ثبت و حسابرسی تمامی الفاظ انسان تأکید دارد. این آیه، پایه‌گذار نظریه «مسئولیت متعالی گفتار» در اسلام است. قرآن به عواقب بیان نظرها و کلمات تأکید دارد. این آیه به این نکته اشاره دارد که هر کلمه‌ای که بیان می‌شود، تحت نظارت و حسابرسی قرار دارد و باید با احتیاط بیان شود. «إِنَّ الْعَبْدَ لَيَتَكَلَّمُ بِكَلِمَةٍ مَا يَتَّبِعُنُ مَا فِيهَا، يَهْوَىٰ بِهَا فِي النَّارِ أَبْعَدَ مِمَّا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ»؛ بنده سخنی را بر زبان می‌آورد و مضمون آن روشن می‌شود و با آن از فاصله مشرق و مغرب دورتر در آتش می‌افتد (ابن مبارک، ۱۴۲۵ق، ص. ۴۱۱). این حدیث به عواقب کلمات و بیان نظرها اشاره داشته و تأکید می‌کند که هر کلمه‌ای که بیان می‌شود، می‌تواند تأثیرات عمیق و گاهی خطرناکی داشته باشد؛ بنابراین، باید با احتیاط و دقت بیان کرد. توجه به عواقب بیان یکی از اصول مهم در اخلاقیات اسلامی و اجتماعی است. این اصل به ما یادآوری می‌کند که هر کلمه‌ای که بیان می‌شود، می‌تواند تأثیرات عمیق و گاهی غیرقابل جبران بر دیگران و جامعه داشته باشد. کلمات می‌توانند احساسات، افکار و رفتارهای دیگران را تحت تأثیر قرار دهند. یک جمله مثبت می‌تواند انگیزه‌بخش باشد، درحالی‌که یک جمله منفی می‌تواند آسیب‌زننده و مخرب باشد. به همین دلیل، باید با دقت و احتیاط صحبت کرد. همچنین بیان نظرهای نادرست یا توهین‌آمیز می‌تواند به ایجاد تنش و درگیری در جامعه منجر شود. این امر می‌تواند روابط اجتماعی را تضعیف کند و به بی‌اعتمادی و نفرت بین افراد منجر شود؛ بنابراین، باید به این نکته توجه داشت که کلمات می‌توانند به عنوان ابزارهایی برای ایجاد یا تخریب روابط عمل کنند. در بسیاری از کشورها، بیان نظرها می‌تواند عواقب قانونی داشته باشد. اظهاراتی که به توهین، افترا یا نشر اکاذیب منجر می‌شوند، ممکن است به پیگرد قانونی و مجازات منجر شوند؛ بنابراین، آگاهی از

قوانین مربوط به آزادی بیان و محدودیت‌های آن ضروری است. از نظر اخلاقی، بیان نظرها باید با مسئولیت و احترام به دیگران همراه باشد. در اسلام، هر فرد باید به عواقب کلمات خود توجه کند و از بیان نظرهایی که ممکن است به دیگران آسیب برساند، پرهیز کند. این امر به حفظ حرمت و آبروی دیگران کمک می‌کند. «عن النبی مَنْ قَالَ فِي مُؤْمِنٍ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْكَنَهُ اللَّهُ رَدَّغَهُ الْخَبَالَ حَتَّى يَخْرُجَ مِمَّا قَالَ»؛ هر کس در مورد مؤمنی چیزی بگوید که در او نیست، خداوند او را در گنجی قرار دهد تا از گفته خود خارج شود (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص. ۱۲۸).

این حدیث به عواقب منفی اظهارات نادرست درباره دیگران اشاره دارد و نشان می‌دهد که این نوع بیان می‌تواند به عواقب دینی و اجتماعی منجر شود. بیان نظرهای نادرست یا توهین‌آمیز نه تنها بر دیگران تأثیر می‌گذارد بلکه می‌تواند به خود فرد نیز آسیب برساند. فردی که به دیگران توهین می‌کند، ممکن است خود را در معرض قضاوت منفی و تنهایی قرار دهد. همچنین، این رفتار می‌تواند به احساس گناه و پشیمانی منجر شود. توجه به عواقب بیان یک اصل اساسی در ارتباطات انسانی است.

ز) ترویج صلح و دوستی: صلح‌گرایی در اسلام تنها یک توصیه اخلاقی نیست بلکه پایه‌ای قرآنی دارد. آیه «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا»* (سوره انفال: آیه ۶۱) نشان می‌دهد که مسلمانان حتی در شرایط اختلاف باید به سوی صلح حرکت کنند و گرایش به صلح بر تقابل ترجیح دارد. این اصل، * چهارچوبی اخلاقی برای رسانه‌ها تعیین می‌کند: رسانه‌ها نه فقط ابزار انتقال خبر بلکه مسئول تقریب دل‌ها و پرهیز از تشدید تنش‌ها هستند. این اصل قرآنی، بیانگر آن است که آزادی بیان باید در خدمت تحکیم روابط انسانی و نه تضعیف آن باشد.

در همین راستا، رسول اکرم(ص) در حدیثی جامع، ایمان را منوط به محبت و صلح‌جویی می‌داند: «لَا تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا، وَلَا تُؤْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا... أَفْشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ» (مسلم بن حجاج، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص. ۷۴؛ متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص. ۶۲؛ طبرسی، بی‌تا، ص. ۱۴؛ ورام، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص. ۱۲۷).

این روایت، اخلاق رسانه‌ای را به صورت عینی تبیین می‌کند؛ بدین معنا که محتوای بیان و شیوه انتقال پیام، باید مبتنی بر تقویت همبستگی اجتماعی و پرهیز از تخریب باشد.

اصل کرامت ذاتی انسان* (سوره اسراء: آیه ۷۰) به عنوان سنگ‌بنای حقوق بشر اسلامی، آزادی بیان را نه یک امتیاز تمحیلی، بلکه حقی ذاتی می‌داند که با مسئولیت‌پذیری اخلاقی همراه است. در این چهارچوب، آزادی بیان زمانی مشروعیت می‌یابد که: به حریم خصوصی و حیثیت افراد تجاوز نکند.

در عصر حاضر مسئولیت اخلاقی رسانه‌ها در قبال ایجاد صلح اجتماعی مضاعف می‌گردد. قرآن کریم با عبارت «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» (سوره حجرات: آیه ۱۳) بر اصل «تعارف» و شناخت متقابل تأکید می‌ورزد. این آیه سنگ‌بنای فلسفه رسانه‌های صلح‌گرا را تشکیل می‌دهد که در آن:

۱. گزارش‌دهی بی‌طرفانه جایگزین جهت‌گیری‌های حزبی می‌شود؛
۲. تمرکز بر مشترکات به جای بزرگ‌نمایی اختلافات؛
۳. پرهیز از کلیشه‌سازی‌های قومی و مذهبی؛
۴. ایجاد فضای گفت‌وگوی سازنده بین گروه‌های مختلف اجتماعی.

سیره نبوی نیز با تأکید بر «كَلِمَ رَاحٍ و كَلِمَ مَسْئُولٍ عَنِ رَعِيَّتِهِ» (صحیح بخاری) مسئولیت رسانه‌ها را در قبال آثار اجتماعی محتوای تولید شده گوشزد می‌کند. در این راستا، رسانه‌های متعهد باید:

- از انتشار اخبار تحریک‌آمیز که موجب تشنج اجتماعی می‌شود خودداری کنند؛
- اخبار را با چهارچوب‌سازی‌های صلح‌جویانه ارائه دهند؛
- به جای هیجان‌زایی کاذب، به تحلیل عمیق مسائل بپردازند؛
- صدای گروه‌های مختلف اجتماعی را به صورت متوازن منعکس کنند.

تجربه جهانی نشان داده است رسانه‌هایی که به این اصول پایبند بوده‌اند، در بحران‌های اجتماعی نقش تسکین‌دهنده ایفا کرده‌اند، نه آتش‌بیار معرکه. امروز جامعه اسلامی نیازمند رسانه‌هایی است که به جای بازتولید خشونت کلامی، مهندسی آرامش اجتماعی* را در دستور کار قرار دهند. این همان «رسانه متعهد» است که هم آزادی بیان را محترم می‌شمارد و هم مسئولیت اجتماعی خویش را در قبال وحدت امت اسلامی به‌خوبی ادا می‌کند. صلح‌گرایی رسانه‌ای یعنی انتخاب واژگان آرامش‌بخش، انعکاس منصفانه نظرهای

مخالف و پرهیز از اتهام‌زنی.

محدودیت‌های اخلاقی

قرآن کریم برای جلوگیری از سوءاستفاده از آزادی بیان، چهارچوب‌های مشخصی تعیین نموده است:

الف) پرهیز از شایعه‌سازی: در آیه ۱۲ سوره نور به لزوم احتیاط در گفتار و پرهیز از تهمت و افترا اشاره شده است که نشان می‌دهد بیان نظرها باید با دقت و انصاف باشد. «إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ» با اشاره به مسئله افک، بر حرمت نقل سخنان بدون تحقیق تأکید می‌ورزد. این آیه در فضای نزول نشان‌دهنده حساسیت قرآن به پیامدهای اجتماعی بیان است.

ب) مسئولیت معرفتی: آیه ۳۶ سوره اسراء «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» از پی آنچه ندانی که چیست مرو، زیرا گوش و چشم و دل، همه را، بدان بازخواست کنند، با اشاره به مسئولیت اعضای ادراکی انسان، مسئولیت فردی در قبال محتوای بیان شده را گوشزد می‌نماید. همچنین آیه «اذ تلقونه بالسنتکم و تقولون بافوا حکم ما لیس لکم به علم و تحسبونه هینا و هو عند الله عظیم» (سوره نور: آیه ۱۵)؛ آن‌گاه که آن سخن را از دهان یکدیگر می‌گرفتید و چیزی بر زبان می‌راندید که درباره آن هیچ نمی‌دانستید و می‌پنداشتید که کاری خرد است، و حال آنکه در نزد خدا کاری بزرگ بود، بر لزوم احتیاط در بیان و پرهیز از تهمت و افتراء تأکید نموده و بیانگر این است که بیان نظرها باید مبتنی بر دانش و انصاف باشد.

ج) پرهیز از گفتار زور: آیه ۳۰ سوره حج با عبارت «واجتنبا قول الزور» به ایجاد مرزهای اخلاقی در بیان می‌پردازد. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «... و اجتنبا قول الزور» (سوره حج: آیه ۳۰)؛ از سخن باطل و دروغ اجتناب ورزید. روایات در زمینه دروغ بسیار زیاد است؛ به‌عنوان نمونه حدیثی از امام حسن عسگری نقل می‌کنیم: «جعلت الخبائث کلها فی بیت و جعل مفتاحها الکذب» (نراقی، بی‌تا، ج ۲، ص. ۲۳۳)؛ تمام پلیدی‌ها در اطاقی قرار داده شده، و کلید آن دروغ است. روایت امام، نشان‌دهنده عمق نگرش اسلامی به مسئله صداقت در بیان است.

د) پرهیز از الفاظ تحریف‌پذیر: آیه ۱۰۴ سوره بقره با نهی از کاربرد لفظ «راعنا» و جایگزینی «انظرنا»، به مسئله «سوءاستفاده زبانی» توجه دارد. قرآن کریم در این‌باره

می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مگویید «راعنا»، بگویید «انظرنا»...». شیخ طوسی در شأن نزول این آیه گوید: مسلمین وقتی که به رسول خدا(ص) می‌رسیدند، می‌گفتند: یا رسول الله، راعنا، ای اسمع منا؛ به ما گوش فرادار، یهودیان که این کلام را شنیدند آن را از حیث معنی تحریف نموده و می‌گفتند، راعنا یا محمد و مقصودشان از اظهار این جمله، گفتن کلمات ناهنجار و رکیک بود وقتی که به آن‌ها هشدار داده شد که از این کلمات به زبان نیاورند. می‌گفتند: آنچه که مسلمین می‌گویند ما نیز می‌گوئیم سپس خداوند به وسیله این آیه مسلمین را از ذکر این گفتار بازداشت (محقق، ۱۳۵۹، ص. ۲۴). این امر نشان‌دهنده حساسیت قرآن به ظرفیت‌های سوءاستفاده از آزادی بیان است.

۵) پرهیز از جدال و نزاع: قرآن به پرهیز از جدل و نزاع در بیان نظرها تأکید دارد. در آیه ۶۶ سوره عنکبوت آمده است: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَاللَّهُنَّ وَآلَهُمْ وَآلِهِمْ وَآلِهِمْ وَآلِهِمْ وَآلِهِمْ وَآلِهِمْ»؛ [ای مؤمنان]، با اهل کتاب جز به آن شیوه‌ای که همان، نیکوتر است بحث و جدل نکنید، مگر کسانی از آنها که ستم کرده باشند و [به آنها] بگویید: به آنچه به سوی ما فرو فرستاده شده (قرآن) و آنچه که به سوی شما فرو فرستاده شده است (کتاب آسمانی)، ایمان داریم. خدای ما و خدای شما یکی است و ما برای او فرمانبرداریم. چهارچوب قرآنی مناظره مطلوب آیه ۶۶ سوره عنکبوت با عبارت «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»، الگویی سه‌بعدی برای گفتگوی بین‌ادیانی ارائه می‌نماید:

الف) بعد سلبی: نهی از جدال غیرحسَن؛ ب) بعد ایجابی: تأکید بر روش احسن؛ و ج) بعد استثنایی: مواجهه متفاوت با ظالمین.

این ساختار نشان‌دهنده نگاه ظریف قرآن به مسئله آزادی بیان در تعاملات بین‌فرهنگی است. در همین رابطه امام صادق(ع) نیز می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَالْمِرَاءَ؛ فَإِنَّهُ يُحْبِطُ عَمَلَكَ. وَإِيَّاكَ وَالْجِدَالَ؛ فَإِنَّهُ يُؤَبِّقُكَ. وَإِيَّاكَ وَكَثْرَةَ الْخُصُومَاتِ؛ فَإِنَّهَا تُبْعِدُكَ مِنَ اللَّهِ» (ابن شعبه حرّانی، ۱۳۷۷، ص. ۳۰۹)؛ از مجادله کردن پرهیز که این کار عمل تو را بر باد می‌دهد و از جرّ و بحث کردن پرهیز که این کار تو را هلاک می‌گرداند و زیاد ستیزه مکن؛ زیرا که تو را از خدا دور می‌کند.

این حدیث به ناپسند بودن جدل و نزاع در میان مردم اشاره دارد و نشان می‌دهد که باید از بحث‌های بی‌فایده و تنش‌زا پرهیز کرد. در واقع، بیان نظرها باید به‌گونه‌ای باشد که به صلح و آرامش کمک کند. روایت امام صادق (ع) با تقسیم‌بندی مضرات جدال به: ۱. نابودکننده اعمال؛ ۲. مهلک انسان؛ و ۳. موجب بعد از خداوند، نشان‌دهنده عمق نگرش ائمه (ع) به آفات گفتگوی غیراخلاقی است. این روایت در واقع مکمل آیه ۴۶ عنکبوت محسوب می‌شود.

تحلیل روایی پرهیز از جدال

برخی از ریشه‌های جدل و نزاع میان افراد عبارت‌اند از:

الف) اهانت به مقدسات: موضوعی حساس و پیچیده که در بسیاری از جوامع و ادیان مطرح می‌شود. این مسئله زمانی رخ می‌دهد که فرد یا گروهی به عمد یا سهو به باورها، نمادها، افراد یا مکان‌های مقدس یک دین یا مذهب توهین کنند. مقدسات در هر دین و مذهبی، شامل مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، نمادها، افراد و مکان‌هایی است که برای پیروان آن دین مقدس و محترم شمرده می‌شوند. این مقدسات می‌توانند شامل: الف) متون مقدس مانند قرآن، انجیل و تورات؛ ب) انبیا و پیامبران مانند پیامبر اسلام، حضرت مسیح و حضرت موسی؛ ج) ائمه و اولیای دین مانند ائمه اطهار در اسلام؛ د) مکان‌های مقدس مانند مسجد، کلیسا و کنیسه یا نمادهای دینی باشند. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (سوره انعام: آیه ۱۰۸)؛ چیزهایی را که آنان به جای الله می‌خوانند، دشنام مدهید که آنان نیز بی‌هیچ دانشی، از روی کینه‌توزی به الله دشنام دهند. این آیه به اهمیت احترام به عقاید دیگران اشاره دارد و نشان‌دهنده: ۱. حرمت ذاتی مقدسات ادیان؛ ۲. قانونمندی ارتباط بین‌ادیانی؛ و ۳. توجه به پیامدهای اجتماعی گفتار است.

ب) عیب‌جویی: عیب‌جویی و اظهارنظرهای منفی در مورد دیگران، رفتاری است که متأسفانه در بسیاری از جوامع رواج دارد. دلایل مختلفی از جمله کمبود اعتماد به نفس، حسادت به موفقیت‌ها و ویژگی‌های مثبت دیگران، خشم و عصبانیت، نیاز برای جلب توجه دیگران و ایجاد حاشیه، احساس برتری نسبت به دیگران می‌تواند این رفتار را بروز دهد. برای

جلوگیری از این رفتار قرآن کریم مردم را چنین خطاب می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءِ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (سوره حجرات: آیه ۱۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مباد که گروهی از مردان گروه دیگر را مسخره کند... و مباد که گروهی از زنان گروه دیگر را مسخره کند... و از هم عیب‌جویی نکنید و یکدیگر را به القاب زشت مخوانید. این آیه با نهی از «تلمزوا أنفسکم» به: ۱. وحدت اجتماعی مؤمنان؛ ۲. کرامت ذاتی انسان‌ها؛ و ۳. پیامدهای روانی گفتارهای تحقیرآمیز اشاره دارد.

ج) القاب زشت: نسبت دادن القاب زشت به دیگران، عملی است که متأسفانه در جوامع مختلف به وفور دیده می‌شود. این رفتار نه تنها به فرد مقابل آسیب می‌رساند بلکه نشان‌دهنده مشکلات شخصیتی و روانی فردی است که چنین القابی را به‌کار می‌برد. لزوم پرهیز مؤمنان از نسبت دادن القاب زشت به یکدیگر را در سوره حجرات می‌بینیم: «... و لا تنابزوا بالألقاب بئس الاسم الفسوق بعد الايمان و من لم يتب فاولئك هم الظالمون» (سوره حجرات: آیه ۱۱)؛ ... و یکدیگر را به القاب زشت مخوانید. بد است عنوان فسق پس از ایمان آوردن. و کسانی که توبه نمی‌کنند خود ستمکارانند. در این آیه با نهی از «تنابزوا بالألقاب» بر: ۱. حرمت شخصیت افراد؛ ۲. تأثیر القاب بر هویت اجتماعی؛ و ۳. ارتباط ایمان و ادب گفتاری تأکید می‌ورزد.

و) پرهیز از غیبت و تهمت: قرآن به شدت از غیبت و تهمت نهی می‌کند. در آیه ۱۲ سوره حجرات آمده است: «وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا». این آیه به اهمیت حفظ آبرو و پرهیز از غیبت و تهمت اشاره دارد و نشان می‌دهد که بیان نظرها باید با رعایت حرمت دیگران باشد. آیه با عبارت «وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا»، دو اصل اساسی را در اخلاق ارتباطی ترسیم می‌نماید: الف) اصل پرهیز از تجسس که پایه غیبت را می‌زداید؛ ب) اصل منع غیبت که حریم خصوصی را تضمین می‌کند. این آیه در سیاق آیات مربوط به آداب اجتماعی قرار دارد که نشان‌دهنده نگاه نظام‌مند قرآن به حفظ کرامت انسانی است.

در احادیث هم نهی از این رذیله را می‌یابیم. امام جعفر صادق(ع): «الغيبَةُ حرامٌ على كُلِّ

مسلم و إِنَّهَا لَتَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ»؛ غیبت کردن بر هر مسلمانی حرام است. غیبت مانند آتشی که هیزم را با حرص و ولع می‌خورد، حسنات انسان را به کلی از بین می‌برد (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص. ۱۱۷). این حدیث به ناپسند بودن غیبت و تهمت اشاره دارد و نشان می‌دهد که بیان نظرها باید با رعایت حرمت و آبروی دیگران باشد. غیبت نه تنها اخلاقی نیست بلکه می‌تواند به روابط اجتماعی آسیب بزند. همچنین قرآن به شدت از دروغ و افتراء نهی می‌کند. در آیه ۱۹ سوره نور آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» که نشان‌دهنده اهمیت حفظ حرمت دیگران و پرهیز از نشر اکاذیب است. آیه با عبارت «يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ» به: ۱. روان‌شناسی مجرمانه؛ ۲. پیامدهای اجتماعی؛ و ۳. مجازات اخروی اشاره دارد.

این امر نه تنها در میان مسلمانان مورد انتظار است بلکه تهمت بی‌دینی به مدعی اسلام نیز جایز نیست. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا... فَتَّبِينُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ ءَلِيَ الْيَكْمَ السَّلْمَ لَسْتَ مُؤْمِنًا...» (سوره نساء: آیه ۹۴)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ... نیک تفحص کنید. و به آن‌کس که بر شما سلام گوید، مگویید که مؤمن نیستی...». آیه ۹۴ سوره نساء با عبارت «فَتَّبِينُوا» بر: ۱. لزوم تحقیق؛ ۲. پرهیز از پیش‌داوری؛ و ۳. حفظ حرمت اجتماعی تأکید می‌ورزد.

کارکردهای اجتماعی

الف) فرهنگ پرسش و پاسخ: در آیه ۶ سوره مائده اشاره به پرسش از مسائل دینی و اخلاقی شده است که نشان‌دهنده اهمیت گفتگو و تشویق قرآن به پرسشگری و تبادل نظر در جامعه اسلامی است.

ب) تشویق به تعقل: تکرار واژه «يعقلون» (۲۴ مورد) و «يتفكرون» (۱۸ مورد) در قرآن، نشان‌دهنده تأکید قرآن بر آزادی اندیشه به‌عنوان مقدمه آزادی بیان است. قرآن مسئله تفکر و تعقل را با اهمیت تلقی نموده و افراد را بدان تشویق و انسان‌ها را به استفاده از عقل و فهم دعوت می‌کند، این اصل به معنای پذیرش انتقاد و گفتگو در راستای رشد فکری بوده و آزادی بیان منجر به تبادل نظرهای سازنده می‌شود. با این حال، مانند هر دینی، اصول

اخلاقی و اجتماعی نیز در قرآن وجود دارد که بیان باید در چهارچوب آن‌ها انجام شود. به‌طورکلی، قرآن آزادی بیان را در کنار مسئولیت و احترام به حقوق دیگران معرفی می‌کند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که آزادی بیان در منظومه معرفتی قرآن کریم، نه صرفاً به‌عنوان یک حق فردی بلکه به‌مثابه یک مسئولیت الهی، واجد ابعاد حقوقی، اخلاقی و اجتماعی است. قرآن با ارائه الگویی سه‌سطحی، چهارچوبی نظام‌مند برای تنظیم رفتارهای گفتاری و ارتباطی در جامعه اسلامی ترسیم می‌نماید. در سطح نخست، بیان به‌عنوان تکلیفی شرعی، در پرتو آموزه‌هایی نظیر امر به معروف، و در عین حال با رعایت حدودی چون حرمت غیبت، تهمت و افتراء، تفسیر می‌شود. در سطح دوم، قرآن با تأکید بر مسئولیت اخروی انسان در قبال سخن، و با طرح آداب گفتگو و حسن‌ظن، به پرورش اخلاق گفتاری می‌پردازد. در نهایت، در سطح سوم، آزادی بیان به‌مثابه یک پدیده اجتماعی، مقید به حفظ کرامت انسانی، نظم عمومی و وحدت جامعه اسلامی معرفی می‌گردد.

مقایسه این الگو با اصول اخلاق رسانه‌ای معاصر، تفاوت‌های روشنی را در مبنای هدف و ضمانت اجرا آشکار می‌سازد. رویکرد قرآنی بر پایه تکلیف‌گرایی و تعالی اخلاقی استوار است، درحالی‌که اخلاق رسانه‌ای نوین عمدتاً بر حق‌محوری، توسعه اجتماعی و مسئولیت‌های قانونی تمرکز دارد. این تفاوت ریشه‌ای نشان می‌دهد که الگوی قرآنی، افقی بلندتر و بنیادین‌تر برای تنظیم آزادی بیان در بستر ارزش‌های دینی فراهم می‌آورد.

از منظر کاربردی، اصول قرآنی قابلیت ترجمه در قالب دستورالعمل‌های حرفه‌ای برای رسانه‌ها را دارند. تأکید بر راستی‌آزمایی اخبار، پرهیز از تحریف، رعایت انصاف، اجتناب از قضاوت زودهنگام، ادب در مناظره و پذیرش تکثر آراء، همگی مؤلفه‌هایی‌اند که از دل آیات الهی استخراج‌پذیر بوده و می‌توانند به‌عنوان منابع غنی برای بازآفرینی نظام اخلاق رسانه‌ای در جوامع اسلامی به‌کار روند.

براین‌اساس، الگوی قرآنی آزادی بیان با ترکیب سه‌گانه «حق‌مداری»، «مسئولیت‌پذیری» و «تعالی‌گرایی»، ظرفیت آن را دارد که در سطوح مختلف اجرایی مورد استفاده قرار گیرد؛ از تدوین منشورهای اخلاق رسانه‌ای گرفته تا طراحی ساختارهای نظارتی و آموزش

حرفه‌ای روزنامه‌نگاران. از این رو، پیشنهاد می‌شود با تشکیل نهادهای تخصصی در حوزه اخلاق رسانه‌ای اسلامی، تدوین دوره‌های آموزشی تلفیقی، و تولید منابع راهنما مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، گامی عملی در جهت تحقق این الگو برداشته شود.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه فولادوند.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
- ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی (۱۳۷۷). *تحف العقول عن آل الرسول*، ترجمه بهراد جعفری. تهران: نشر صدوق.
- ابن فارس، ابوالحسین احمد (بی‌تا). *معجم مقاییس اللغة*. قم: منشورات مکتب التبلیغ الإسلامی التابع للحوزة العلمية.
- ابن مبارک، عبدالله (۱۴۲۵ق). *الزهد کتاب الرقائق*، محقق حبیب‌الرحمن اعظمی. بیروت: دار الکتب العلمية.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). *غرر الحکم و درر الکلم*، محقق / مصحح: سیدمهدی رجائی. قم: دار الکتب الإسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ق). *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی. بیروت: الدار الشامیه.
- زمخشری، محمود بن عمرو (۱۴۱۹ق). *أساس البلاغة*، تحقیق: محمد باسل عیون السود. لبنان: دار الکتب العلمية.
- خلیل، جر (۱۳۹۱ش). *فرهنگ لاروس*؛ ترجمه سیدحمید طیبیان. تهران: امیرکبیر.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۳۰۱ق). *منیة المرید فی آداب المفید و المستفید*؛ تصحیح: علی المحلاتی. بمبئی: مطبع الحسنی.
- طبرسی، علی بن حسن (بی‌تا). *مشکاة الأنوار*، مصحح: صالح جعفری. بی‌جا: مکتبه الفقیه.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*؛ ترجمه موسوی همدانی. تهران: دفتر

انتشارات اسلامی.

قاسمی، مهدی (۱۴۰۱ش). چهارده نور پاک. قم: کومه.

قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۵۲ش)، قاموس قرآن. قم: دارالکتب الاسلامیه.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۳۰ق). روضه کافی؛ تحقیق قسم احیاء التراث، مرکز بحوث

دارالحدیث؛ باهتمام محمدحسین الدرایتی. قم: مؤسسه دارالحدیث العلمیه والثقافیه.

متقی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۱۹ق). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، مصحح:

محمود عمر دمیاطی. بیروت: دارالکتب العلمیه.

محقق، محمدباقر (۱۳۵۹ش). نمونه بیانات در شأن نزول. تهران: انتشارات اسلامی.

مسلم ابن حجاج (۱۴۱۹ق). الجامع الصحیح. بیروت: دار ابن حزم.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). مسئله حجاب. تهران: صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. بی‌جا: دارالکتب الإسلامیه.

نراقی، مهدی (بی‌تا). جامع السعادات؛ قدم محمدرضا المظفر؛ علق علیه محمدکلانتر. بیروت: اعلمی.

نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل. بیروت: مؤسسه آل البيت

علیهم‌السلام لاحیاء التراث.

ورّام، بن أبی فراس (۱۴۱۰ق). مجموعه ورّام (تنبییه الخواطر و نزهة النواظر). قم: مکتبه الفقیه.